

عضو کوچک



فاطمه حسینی
مسئول دختران برنامه اقیانوس آرام

هفده سالگی من، عجیب شد با شنیدن قصه زندگی آدم‌ها که نه فقط شنیدن که نوشیدن قصه زندگی آنها؛ آدم‌های بی‌نام و نشانی که زیر پوست همین دیار زندگی می‌کردند و آن قدر زندگی جذابی داشتند که گاهی همگی محوقه‌شان می‌شدیم و آن روزها که حالا پنج‌سالی می‌شود ازشان گذشته.

در همان دوران، ما یک مسئول نوجوان کنارمان داشتیم که همه هماهنگی‌ها و اموری که مربوط به ما می‌شد با ایشان بود. ارتباطمان صمیمی بود و غالباً اگر درد دل و ناراحتی داشتیم با ایشان صحبت می‌کردیم. آن روزها توی عالم نوجوانی، خود چند سال بعدم را تصور می‌کردم و به این فکر می‌کردم یعنی می‌شود زمانی که من بزرگ‌تر شدم و از نوجوانی وارد دنیای جوانی شدم، اقیانوس آرام ادامه داشته باشد و من در چنین جایگاهی قرار بگیرم؟

گذشت و گذشت تا ۲۰ سالگی من که رسیدیم به فصل سوم اقیانوس آرام با نوجوان‌های جدید.

اولین باری که بچه‌ها را دیدم، یک آخر هفته توی یکی از سالن‌های حوزه هنری بود. یادم می‌آید برای دیدنشان خیلی ذوق داشتم. حرف‌هایی که می‌خواستم بزنم را از قبل آماده کرده بودم. حرف‌هایی که فکر می‌کردم شنیدن‌شان از کسی که اقیانوس آرام را تجربه کرده، باید جالب باشد. ضبط‌ها که شروع شد، به مرور با بچه‌ها صمیمی‌تر شدم. ارتباط با بعضی‌ها حتی به جایی رسید که حرف‌هایشان را با جمله «خانم حسینی تورو خدا اینو به کسی نگیدها» شروع می‌شد و این سرآغاز یه ارتباط شگفت‌انگیز بود! شگفت‌انگیز، به خاطر این که دیگر محدود به کلمه‌ها نمی‌شد. از جایی، من مثل یک مسافر به مقصد رسیده، احوال پر فراز و نشیب بچه‌های توی مسیر را، درک می‌کردم. تلاطم، شک، تردید، سردرگمی، هيجان، غم، همه و همه را در وجود بچه‌ها می‌دیدم. جوری که انگار شده‌ام فاطمه ۱۷ ساله‌ای که وسط اقیانوس آرام نشسته و همه این حس‌ها درون خودم اتفاق می‌افتد. حقیقتاً از این‌که رشد و تغییر را در وجود نسل سوم اقیانوس آرام می‌دیدم حساسی ذوق می‌کردم و قند توی دلم آب می‌شد. برای بچه‌ها هم این درک مشترک عجیب بود و خیلی دوست داشتند از خاطرات و تغییراتی که برای من اتفاق افتاد و اقیانوس آرام باعثش بوده بشنوند. یک وقت‌هایی این خاطره تعریف کردن این قدر زیاد می‌شد که احساس می‌کردم سال‌ها از بچه‌ها بزرگ‌ترم. اقیانوس آرام نوجوانی عده زیادی را تحت تأثیر قرار داد. من فکر می‌کنم اگر قرار باشد برای این برنامه تلویزیونی که واقعا فراتر از یک برنامه تلویزیونی است، رسالتی تعریف کنیم حتماً آن رسالت، جرات دادن به بچه‌ها برای انتخاب مسیری است که دوستش دارند و آینده‌گان را در آن می‌بینند. خوشحالم و خدا را شاکرم که عضو کوچکی از این اقیانوس آبی بیکرانم.

گفت‌وگو با هادی نعمت‌الهی، تهیه‌کننده برنامه اقیانوس آرام

سوار بر موج تجربه

از موضوعات به مهمان‌ها رسیدیم در واقع به دغدغه‌ها و مشکلات این نسل فکر کردیم و متناسب با آن از مهمان‌ها دعوت کرده‌ایم. ما تا کیدی بر چهره بودن مهمان‌ها نداشتیم.

چرا سراغ کار با نوجوان‌ها رفته‌اید؟

اقیانوس آرام و کار برای این بچه‌ها واقعا روزی من شده، حس می‌کردم سر و کله زدن با نوجوان‌ها سخت است و برای من نیست، اما الان دوست دارم بیشتر از تهیه‌کنندگی و کارگردانی، عنوانی که کنار اسم من قرار می‌گیرد یک معلم باشد و سعی می‌کنم در کلاس اقیانوس آرام معلمی صبور با نیت سالم و صادقانه و حضورم خالصانه باشد. می‌توانم ادعا کنم که دغدغه من و تیم اقیانوس آرام اول از همه تربیتی بوده است و بعد از آن برنامه‌سازی!

تا حالا نوجوان‌ها هم روی شما تأثیری داشته‌اند؟

فضای اقیانوس آرام بسیار برای من یادگیرنده است و خیلی وقت‌ها مشتاق‌تر از بچه‌ها زندگی مهمان‌ها را دنبال می‌کنم و زندگی کردن کنار بچه‌ها من را به دوران نوجوانی خودم می‌برد. برای من که حتی در آستانه ۴۰ سالگی ام این امید با کنار بچه‌ها بودن پرنرنگ‌تری می‌شود.

در زمان برنامه چه خاطره یا موقعیت‌های عجیبی با نوجوان‌ها و شرایط ضبط داشتید؟

شگفت‌انگیزترین تصویری که مثل یک خاطره پیش روی من است، بزرگ شدن و قد کشیدن این بچه‌هاست، این‌که نوجوان بودند و الان وارد دانشگاه شدند، رشد کردند و مدل حرف زدن‌شان، دغدغه‌های‌شان عوض شده است و جذاب‌ترین خاطره همین ارتباطی است که با بچه‌ها حفظ کرده‌ام و جویای رشد و بزرگ شدن و موفقیت‌هایشان هستم.

قصد ساختن فصل‌های دیگر اقیانوس رودارید یا خیر؟

اگر خداوند من را لایق این روزی بداند حتماً ادامه می‌دهم، ولی اگر کسی لایق ترو پرشورتر از من باشد حتماً در آن نقطه‌ای هستم که کمک کنم یا کسی راهل بدهم که از اساس این مسیر را پیش ببرد ولی معتقدم برای این تجربه خیلی باید خودم را سرپا و سرچال نگه دارم که انگیزه قدم گذاشتن در این مسیر را داشته باشم که بخش زیادی از آن فردی و بخشی از آن هم حرفه‌ای است و در حال تمرین برای این انگیزه‌ام امیدوارم که خداوند هم در تقدیر ما قرار داده باشد که باز هم بتوانیم با این بچه‌ها کار کنیم و دور هم جمع بشویم و قصه بشنویم و لذت ببریم از قد کشیدن‌شان.

چند سالی می‌شود که برنامه‌ای با محوریت انتقال تجربه افراد موفق و به نام، از شبکه دو سیما پخش می‌شود. اقیانوسی که سعی دارد دریای پرتلاطم و موج نوجوان‌ها را نسبت به مسیر بزرگسالی و اهداف‌شان آرام کند و حالا نشسته ایم پای انتقال تجربه ساخت برنامه از زبان تهیه‌کننده اش.

اقیانوس آرام زندگی شما چه چیزی است؟

اگر مفهوم اقیانوس آرام یک تصویر داشته باشد اقیانوس آرام من نوجوان‌هایی هستند که از لایه‌لای قصه‌های آدم‌ها در حال جست‌وجو برای پیدا کردن مسیر پیش روی خودشان هستند.

اقیانوس نا آرام زندگی شما کجا بوده است و چگونه از آن گذر کردید؟

اقیانوس نا آرام زندگی من دوران نوجوانی بوده است، دوره‌ای که مثل همه نوجوان‌ها سوالات و ابهامات و درگیری‌های ذهنی زیادی داشتم، در آن زمان معلمان - مدرسه‌مطهری - واقعا از جانشان می‌گذشتند که کاری برای ما انجام دهند. اگر من در آن مدرسه نبودم و این آدم‌ها را از نزدیک نمی‌دیدم الان دغدغه‌های متفاوتی داشتم. واقعیت این که اقیانوس آرام، ادای دینی به این آدم‌ها بود که من هم به اندازه خودم این قدم‌ها را برای نسلی دیگر بردارم. آن روزها مهم‌ترین کلیدواژه برای ما توکل بود.

جای چه مهمانی در اقیانوس آرام خالی است که الان در این کره خاکی نیست؟

واقعیت این است که جای خیلی از آدم‌هایی که امروز در کره خاکی نیستند در این برنامه خالی است اما خاطرم است وقتی فصل اول اقیانوس آرام را شروع کردیم نامه‌ای خطاب به حاج قاسم سلیمانی آماده کردم و همیشه تصویری از آمدن ایشان داشتم، به بچه‌ها چه هدیه‌ای بدهند یا بچه‌ها را کجا ببرند، به نظرم اتفاق بسیار درخشانی می‌شد و هنوز در رویا‌هایم این اتفاق را تصور می‌کنم و از تخیل این اتفاق لذت می‌برم.

اگر خود شما مهمان اقیانوس آرام بودید چه حرف‌ها و تجربه‌ای برای نوجوان‌ها داشتید؟

اگر الان مهمان برنامه بشوم قصه اقیانوس آرام را تعریف می‌کنم از نقطه‌ای که ایده آن شکل گرفت، اتفاقاتی که در مسیر اقیانوس آرام برای من افتاد، برکتی که از این تلاش در زندگی من آمد و تاریخ شفاهی‌ای که برای من بسیار مهم و ارزشمند است.

بر چه اساس و معیارهایی مهمان برنامه انتخاب می‌شد و چند درصد مهمان‌ها با هدفی

که شما در انتقال تجربه به نوجوان‌ها داشتید همخوانی داشت؟

در مورد انتخاب مهمان بعضی وقت‌ها ارتباط گرفتن با نوجوان‌ها تعیین‌کننده این انتخاب بود. در اقیانوس آرام ما همیشه



گزارش

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۹۹ ■ ۶ مرداد ۱۴۰۱



عطیه آزادی طلب

گواهینامه اینجانب مهدی محمدبیگی متولد ۱۳۶۵/۰۱/۰۱ با شماره ملی ۰۰۷۷۸۴۲۲۴۱ به شماره گواهینامه ۹۳۸۰۷۷۴۲۵۰ و تاریخ صدور ۱۳۹۳/۰۳/۰۳ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

کلیه مدارک (برگ سبز، کارت) خودرو سواری پژو 405GLX به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۴۲ ل ۵۲۱ ایران ۴۵ به شماره موتور 124K1192028 شماره شاسی 124K1192028 به نام حجت یعقوبی کهنوج معز آبادی با کد ملی ۲۹۸۰۷۷۵۷۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند خودرو و برگ سبز پراید تاکسی دوگانه سوز مدل ۸۵ به شماره شهرداری ایران ۸۴-۳۳-۵۵۳۳ و شماره موتور 1450228 و شماره شاسی S1412285768387 متعلق به حسین رضای عادل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمیانی خودرو سواری پژو رو آ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ایران ۷۱ - ۱۲۷ س ۶۷ شماره موتور ۱۵۴۱۰۳۳۴ و شماره شاسی ۱۱۶۸۵۰۱۰۹۲۷ متعلق به آقای حمیدرضا مویدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمیانی خودرو پژو مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳ ۱۳۰۱۷۸ شماره موتور 139B0118430 شماره شاسی NAANHFE6FH360226 به مالکیت علی خاصی حبیب آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اصل مدرک تحصیلی (دانشنامه) اینجانب اسماعیل کریمی فرزند فایق به شماره ملی ۴۹۵۰۰۲۹۶۴۹ صادره از جوانرود در مقطع کاردانی رشته الکترونیک - الکترونیک عمومی صادره از آموزشکده فنی و حرفه‌ای شماره ۲ پسران کرمانشاه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ کمیانی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۵۸۴ د ۲۵ ایران ۳۸ و شماره شاسی NAAP13FE9EJ501138 و شماره موتور 163B0106143 به نام وحید شیرازی از نه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پراید مدل ۸۱، رنگ سبز پشمی، شماره پلاک ۴۳۸ ط ۹۴ ایران ۴۶، شماره موتور ۳۶۰۵۰۷، شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۱۸۲۶۲۰۶ به نام ابراهیم خرام مفقود گردید و فاقد اعتبار است.